پنجشنبه 16 آبان 1392 - 07:53

قیام امام حسین(ع) موجب انقراض بنی امیّه

بررسی تاریخ حکومت بنی امیّه به خوبی نشان می دهد که حکومت کوتاه هشتاد ساله آنها، جز در سال های محدودی، مملوّ از مخاطرات، نابسامانی ها، درگیری ها، مشکلات عظیم و جابجایی های سریع بود.

بررسی تاریخ حکومت بنی امیّه به خوبی نشان می دهد که حکومت کوتاه هشتاد ساله آنها، جز در سال های محدودی، مملوّ از مخاطرات، نابسامانی ها، درگیری ها، مشکلات عظیم و جابجایی های سریع بود.

در این مدّت که تقریباً برابر عمر طبیعی یك انسان است. چهارده نفر از آل ابوسفیان و آل مروان زمام حکومت را یکی پس از دیگری در دست گرفتند که بعضی از آنها حکومتشان فقط حدود یك، یا چند ماه و بعضی فقط هفتاد روز بوده است. طولانی ترین حکومت، حکومتِ «عبدالملك» بود که حدود بیست سال به طول انجامید و شاید علّتش این بود که به توصیه های «حجّاج» گوش نداد و دست از خونریزی «بنی هاشم» کشید.(1)

در واقع بنی امیّه پس از شهادت امام حسین(علیه السلام) روی آرامش به خود ندیدند، همواره با قیام ها و نهضت های خونینی مواجه بودند که مایه اصلی همه آنها خونخواهی امام حسین(علیه السلام) بوده است.

جنبش ها یکی پس از دیگری از گوشه و کنار شکل می گرفت و توده های مختلف مردم را حول شعارهایی چون «یالثارات الحُسَیْن» و «الرِّضا مِنْ أَهْلِ الْبَیْتِ» و «الرِّضا مِنْ آلِ مُحَمّد(صلی الله علیه وآله)» که سکه رایج آن روزگار بود، جمع می کرد و هر از چندی، قسمتی از قلمرو حکومت بنی امیّه از سیطره آنان خارج می شد. عراق، حجاز، شام و بالاخره خراسان در تب و تاب این انقلاب ها می سوخت.

به واقع شهادت مظلومانه امام حسین(علیه السلام) و فرزندان پیامبر(صلی الله علیه وآله) خطّ بطلانی بود بر چهل سال تبلیغات مسموم بنی امیّه که با نیرنگ و فریب، خود را دولت اسلامی جا زده بودند.

حماسه امام حسین(علیه السلام) چهره اسلام واقعی را به مردم نشان داد و نقاب از چهره دروغ گویان اموی برداشت و نامشروع بودن سلطنت آنان را به اثبات رساند.

بررسی تاریخ آن قیام ها بیان گر این واقعیّت است که توده های مردم آن روزگار به هیچ شعاری جز خونخواهی امام حسین(علیه السلام) و انتقام از بنی امیّه، وقعی نمی نهادند. حتّی عبّاسیان که آخرین ضربه را بر آل ابوسفیان وارد آورده بودند در پناه همین شعار به مقاصد خویش رسیدند و بر مرکب خلافت سوار شدند.

به شهادت تاریخ، اوّلین جرقّه قیامی که به «قیام عبّاسیان» شهرت دارد، در سال 132 هـ توسّط گروهی از شیعیان به رهبری ابومسلم خراسانی در خراسان زده شد. آنان به قصد انتقام از بنی امیّه که ننگ فاجعه کربلا را در پرونده سیاه خویش داشتند، شوریدند و با شعار «الرِّضا مِنْ آلِ مُحَمّد(صلی الله علیه وآله)» پا به میدان مبارزه گذاشتند، ولی بنی العبّاس (شاخه ای از بنی هاشم) از غفلت و ناآگاهی مردم در شناختِ مصادیق واقعی اهل بیت، احساساتِ به هیجان آمده شیعیان را به نفع خود مصادره کردند؛ ولی به یقین مؤثّرترین عامل پیروزی آنان در قلع و قمع کردن بنی امیّه، همان شعار خونخواهی امام حسین(علیه السلام) و شرح مظلومیّت خاندان آن حضرت بوده است. آنان با انتخاب این شعار، آتش خشم مردم را بر ضدّ بنی امیّه برافروختند و سرانجام بساط حکومت ننگین بنی امیّه را برچیدند.

به نقل «ابن ابی الحدید» هنگامی که سر بریده مروان آخرین خلیفه اموی را نزد «ابوالعبّاس سفّاح» ـ نخستین خلیفه عبّاسی ـ آوردند «ابوالعبّاس» سجده ای طولانی به جا آورد و آنگاه سر از سجده برداشت و خطاب به سر بریده «مروان» گفت: «خدا را سپاس می گویم که انتقام مرا از تو و قبیله ات گرفت و مرا بر تو پیروز کرد».

آنگاه افزود: «اینك دیگر باکی از مرگ ندارم زیرا من با کشتن دو هزار تن از بنی امیّه، انتقام خون حسین(علیه السلام) را گرفتم».(2)،(3)

(1). مراجعه شود به : پیام امام، ج 6، ص 418 و ج 3، ص 594، ذیل خطبه 87.

(2). شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 7، ص 130 ; همچنین مراجعه شود به : مروج الذهب، ج 3، ص 257.

(3). گردآوری از کتاب: عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، ص684.